



## سازان کریمی در گفت‌وگو با هم میهن:

# نمایند اعراب را از قدرت ایران بترسانیم



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

در حالی که تمام توجه جهان پس از ۷ اکتبر متوجه خاورمیانه جدید با محوریت تحولات باریکه غزه شده بود، به ناگاه جهان در نیمه شب ۱۳ آوریل به فاصله میان ایران و فلسطین اشغالی چشم دوخت که به واسطه بسته شدن حریم هوایی کشورهای همچون عراق، اردن و لبنان و همچنین تغییر مسیر پروازی شرکت‌های هواپیمایی به سیاهچاله‌ای فضایی شبیه شده بود. حرکت پهپادها و پس از آن موشک‌هایی که به مقصد اسرائیل، خاک ایران را ترک کرده و در نهایت به‌رغم ائتلاف نظامی ایجادشده به رهبری آمریکا برای رهگیری، بسیاری از آنها خود را به آسمان اراضی اشغالی رسانده و برخی نیز با اهداف ازپیش تعیین‌شده برخورد کردند، به مبدأ تاریخ جدیدی در تحولات خاورمیانه تبدیل شد که می‌تواند تبعات مثبت و منفی زیادی برای تهران داشته باشد. سازان کریمی، استاد روابط بین‌الملل دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در گفت‌وگو با هم میهن معتقد است: «توازن قوا در منطقه از جهت نظامی به نفع ایران عوض شده است». این تحلیلگر روابط بین‌الملل همچنین تأکید کرد که «ما اگر نقطه ضعفی داشته باشیم، که داریم، در ابعاد نرم و معنایی از قدرت و نه ابعاد سخت است؛ این مسئله نشان داده شده که آن چیزی که ما خیلی می‌شنویم، در خصوص بازدارندگی نیاز به سلاح‌های متعدد وجود دارد، باوری غلط است». کریمی در خصوص تبعات تحولات دو هفته اخیر نیز گفت: «چنین ماجری با کشورهای عربی موجب می‌شود که اولاً اقتدار نظامی ایران بیشتر در ذهن‌شان تثبیت شود و ثانیاً، هرچند آن‌ها می‌دانند ایران قصد ندارد منازعه خود را با کشورهای عربی بالا ببرد و بیشتر از موضوع ایران استفاده امنیتی‌سازی می‌کند اما در بُعد تهدیدآورش می‌تواند فاصله تهران با همسایگان‌ش را زیاد کند».

در بیش از دو هفته گذشته و در آنچه از اول آوریل صورت گرفته، شاهد تحولاتی هستیم که در نهایت از آن با عنوان از سایه خارج شدن منازعات و جنگ میان ایران و اسرائیل یاد می‌کنند و شاید کمتر کسی پیش‌بینی آنچه در روز ۱۳ آوریل رخ داد را می‌کرد که پهپادها و موشک‌های ایرانی مستقیماً با هدف

اراضی اشغالی پرتاب شوند؛ از دیدگاه نظری چگونه می‌توان تحولات این روزها را مورد بررسی و تحلیل قرار داد؟

ظرف زمانی‌ای که من انتخاب می‌کنم ۶ ماه است و همه داستان جدید از ۷ اکتبر آغاز می‌شود؛ نکته اصلی این است که نتایج‌ها و محصه‌ای که خودش را در غزه گیر انداخته بود، تلاش داشت تا حداقل پای دو بازیگر دیگر یعنی ایران و ایالات متحده را به این بازی بکشاند. هرچقدر که تلاش کرد اما تهران هوشمندانه وارد این مهلکه نشد. در نهایت اما نخست‌وزیر اسرائیل سطح تنش را تا جایی برد تا ایران را در یک دوراهی معماگونه قرار دهد. وقتی که کنسولگری ما در دمشق مورد اصابت قرار گرفت، اینکه چگونه عمل کنیم به‌هیچ‌عنوان تصمیم آسانی نبود. به‌طور بدوی البته تصمیم آسان است و باید جواب داد ولی به جهت وجود این ملاحظه که این تونلی است که خود نتایج‌ها در حال حفر آن برای فرار از بن‌بست است، ایران تحفظ‌هایی را برای خودش در نظر گرفته بود و محاسبات فراتر از سطح را برای خودش منظور می‌کرد؛ بنابراین مقداری هم طول کشید تا خواهد واکنش‌اش را تنظیم و عملی کند و همان‌طور که آقای امیرعبداللّه‌ان هم گفتند با بازیگران مؤثر در منطقه هم رایزنی‌هایی صورت گرفته بود تا هزینه این اقدام کاهش پیدا کند. طراحی البته طراحی خوبی بود و خوب هم اجرا شد چراکه هم واکنش انجام شد و هم از آن شرایطی که نتایج‌ها می‌خواست با بالا بردن سطح تنش از آن استفاده کند، تا حد زیادی حذر شد. البته در این شرایط موضوع غزه تا حد زیادی در اولویت پایین خبری قرار گرفته است و این واقعیت است، اما ایران چند موضوع جدید را به معادلات اضافه کرد که یکی از آنها، از سایه بیرون آمدن این تنازع میان ایران و اسرائیل است که البته در سایه نبود و تا حدی تعارف‌های حقوقی وجود داشت که چه کسی می‌خواهد مسئولیت حمله به خاک کشور دیگری را برعهده بگیرد اما برای ایران دیگر این تعارف خیلی موضوعیت نداشت به واسطه اینکه کاری که اسرائیل کرد، این امر را موجه می‌کرد و ایران هم این ملاحظه را کنار گذاشت. نکته دوم این است که نتایج‌ها اینجای بازی را

باخت که بازدارندگی و تصویر شکست‌ناپذیری اسرائیل که در ۷ اکتبر دچار خدشه شده بود را مجدداً در معرض چالش قرار داد و خدشه‌دار کرد؛ به این معنا که تابویی که حیاتیاً حمله کردن به اسرائیل و به عهده گرفتن مسئولیت آن وجود داشت و امر خطیری تلقی می‌شد، توسط ایران شکسته شد و اتفاقاً نکته اصلی نیز این است که نشان داده شد بازدارندگی‌ای که این روزها خیلی نقل محافل سیاست خارجی است از جنس اینکه اسرائیل بمب هسته‌ای دارد، نیست.

مهمترین نتیجه این واکنش این بود که چنین نوعی از بازدارندگی وجود ندارد. داستان این بود که بازی با ریسک بالا از سوی تل‌آویو آغاز شد، ایران این بازی را تا حدی مدیریت‌شده اما با ریسک بالا ادامه داد و در نهایت واکنش اخیر اسرائیل در اصفهان، واکنش بسیار خفیفی بود و اگر الان به روزهای پیش از حمله به پایگاه هشتم شکاری اصفهان بازگردیم، به نظر می‌رسد عدم حمله اسرائیل منفعبت بیشتری برایش داشت و ابهام به وجود آمده برای طرفداران خودش امیدوارکننده بود و حالا اگر تحلیل‌ها را ببینید، طرفدارانی که پیش‌تر از همه کارهای اسرائیل دفاع می‌کردند، خیلی سرخورده شده‌اند و به همین دلیل هم می‌گویند شاید این حمله تنها آزمایش و شروع یک سلسله حملات بوده و کسی باور نمی‌کند در جواب آن حمله بزرگ، یک واکنش در این سطح بروز کرده باشد. معتقدم توازن قوا در منطقه از جهت نظامی به نفع ایران عوض شده است و ایران نشان داد، اسرائیل آن بازدارندگی‌ای که گمان می‌رفت از نظر هسته‌ای دارد را دارا نیست و از نظر سلاح‌های متعارف هم قابلیت‌های کمتر از آنچه تصور می‌شد را در اختیار دارد. بنابراین از ۷ اکتبر لایه لایه هیمنه اسرائیل در حال شکستن است.

ایران هم برای احیای قدرت بازدارندگی خود قدم در این مسیر قرار داد؛ آیا تهران در این مسیر موفق بود؟

اگر بخواهیم منصف باشیم واقعیت این است که بله؛ چراکه ایران توانست کاری که می‌خواهد انجام دهد را به سرانجام برساند به این معنا که با توجه به آن اعلام که ما از اینجا شلیک کردیم، تصمیم بر این بود که آسیب جانی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

The Guardian

جعبه پاندورا باز شد

انتقام‌جویی اسرائیل، به‌طرز شگفت‌انگیزی محدود بود. ایران اهمیت حملات هوایی روز جمعه به یک پایگاه نظامی در نزدیکی اصفهان و سایر اهداف را به حداقل رساند و انکار کرد که این حملات از خارج انجام شده است. سخنگویان اسرائیلی به‌طرز عجیبی سکوت کردند. گویی یک‌توافق دوجانبه ضمنی برای کم‌اهمیت جلوه دادن این ماجرا برای تنش‌زدایی بی‌سروصدا انجام شده بود. مانند دولت‌های مخفی قرن نوزدهم که به‌طور غیرقانونی تیانجه‌ها را در یک چمنزار مه‌آلود انگلیسی در سپیده‌دم‌نشانه می‌گیرند، هر دو خواستار خوشبختی‌داری بودند اما می‌خواستند از یک‌دیگر بی‌خبر بمانند. اسرائیل هم می‌خواستند از یک‌دیگر بی‌خبر بمانند. هر کدام مستقیماً به طرف دیگری شلیک کرده‌اند که باعث آسیب‌نمادین شده است. اگر ماجرا تمام شده باشد، نشان می‌دهد که فشار شدید ایالات متحده بر اسرائیل برای اعمال خوشبختی‌داری با حمایت بریتانیا و دیگران نتیجه داده است. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا پس از دفع موفقیت‌آمیز حمله هوایی بی‌سابقه و گسترده ایران از اسرائیل خواسته بود که این پیروزی را بپذیرد. مقامات اسرائیل موافق نبودند. در دی‌ان‌ای بنیامین نتانیاهو نیست که طوری دیگر رفتار کند. او یک کماندوی سابق است که به‌طور غیرعادی به‌توسل به زور تمایل دارد. متحدان راست‌گرای تندرو از او خواسته‌بودند که شدیدتر برخورد کند. اما مشکل واکنش اسرائیل نشان‌دهنده اهم تقویت‌شده ایالات متحده است. هرچند کمک‌های حیاتی ایالات متحده در دفاع از اسرائیل در آخر هفته گذشته را نمی‌توان نادیده گرفت. احماقانه است اگر فرض کنیم این پایان کار است. خصومت درونی، سیاسی و ایدئولوژیک، هنوز در هر دو طرف وجود دارد. هر دو طرف درگیر اختلافات داخلی هستند که غیرقابل پیش‌بینی بودن و تحریک‌پذیری را بیشتر می‌کند. حالا دیگر جعبه پاندورا روبروی مستقیم و تن به تن باز شده است. جنگ سایه‌ای که دو کشور سال‌ها به راه انداخته‌اند، برای همگان در معرض دید قرار گرفته است. ایران می‌تواند در هر زمان، مستقیم یا غیرمستقیم، از نو حمله کند. اسرائیل نیز روز جمعه نشان داد در صورت تمایل می‌تواند به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند. این بن‌بست اسرائیل و ایران به‌طور جدایی‌ناپذیری با مناقشه فلسطین درهم‌تنیده شده است و به نفع هیچ‌کدام نیست. معضل غرب حتی بدتر از قبل به نظر می‌رسد. یکی از دلایل این شکست ممکن است عدم تمایل دولت ریشی سوناک به استفاده از اهرم فروش تسلیحات بریتانیا به اسرائیل باشد. دلیل دیگر، امتناع کامرون از محکوم کردن حمله هوایی اول آوریل اسرائیل به ساختمان دیپلماتیک ایران در دمشق است که منجر به کشته شدن فرماندهان ارشد ایران شد. کارشناسان سازمان ملل می‌گویند این حمله ناقض قوانین بین‌المللی است. کامرون هفته گذشته اعتراف کرد که اگر کنسولگری بریتانیا به‌طور مشابه مورد حمله قرار گیرد، بریتانیا «پاسخ قاطعانه» نشان خواهد داد. اما او نمی‌توانست خود را متقاعد کند که بگوید اسرائیل اشتباه کرده است. این موضع پیش‌فرض طرفدارانه از اسرائیل، نگرش بسیاری از دولت‌های غربی را مشخص می‌کند. امروز اما نگرانی‌ها در مورد خطرات تشدید تنش به ناگاه فراموش شد. ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و دیگران با هواپیماهای جنگی به منظور تکمیل دفاع موشکی پیشرفته اسرائیل گردهم آمدند. در این سو اسرائیل از حمله جان به برد اما مقامات می‌گویند اوکراین که به اندازه کافی حمایت دریافت نمی‌کند و هر هفته با تعداد مشابهی از حملات پهپادی و موشکی از سمت روسیه مواجه می‌شود. به همین ترتیب، فلسطینی‌های محاصره‌شده با ناامیدی تماشا کرده‌اند که انتقاد غرب از نتایج‌ها یک‌شبه و پس از پاسخ ایران، تبدیل به همبستگی در حمایت از اسرائیل شد. اژانس‌های امدادی همچنان درباره فحطی قریب‌الوقوع در غزه هشدار می‌دهند. حدود ۳۴ هزار فلسطینی در شش ماه گذشته به دست اسرائیل کشته شده‌اند. حمله اسرائیل به رفح نزدیک است. در غزه و کرانه باختری هیچ پرنده‌ای وجود ندارد و همه بازنده هستند. اسرائیلی‌ها دلیلی برای جشن گرفتن ندارند. مطمئناً اسرائیل - این بار - حمله را دفع کرد. اما سیاست بازدارندگی معروف آن تکه‌تکه شده است. افسانه قلعه تسخیرناپذیر اسرائیل در هم شکسته است. ایران معمای کلی بایدن در خاورمیانه را پیچیده‌تر می‌کند. از نظر سیاسی بایدن نمی‌تواند از اسرائیل فاصله بگیرد. اما مدیریت نتایج‌ها خطرناک و سمی است و می‌تواند در انتخابات برای بایدن گران تمام شود.

